

« تَلَاؤُ جَمِيلٌ در اقتصاد جهاد محور »

به نظر می‌رسد ضرورت دارد دولتی که عنوان تدبیر و امید را برای خود برگزیده و با رویکرد اصلی تدبیر در بهبود امور اقتصادی و امید به بهبود معیشت مردم، حتی تمام وزارتخانه‌هایش را ملزم نموده که سیاست‌های خود را با دوجلسه اقتصادی که هر هفته برگزار می‌شود، تنظیم کنند^۱، یکبار دیگر فرمایشات رهبر بزرگوار انقلاب در خصوص اقتصاد و جهاد اقتصادی که در سال ۱۳۹۰ و قبل از عملیاتی شدن نقشه دشمنان، بیان داشتند را به دقت مطالعه کند. زیرا هیچ نقشه راه و دستورالعملی برای برون رفت از معضلات اقتصادی به گونه‌ای که به تخریب عرصه‌های دیگر نینجامد به غیر از توجه دقیق به فرمایشات آن روز حضرت آقا سودمند نیست و پیروزی در این عرصه فقط با لحاظ کردن «جهاد اقتصادی» است، نه جامعه «اقتصاد محور» که این روزها بیم افتادن در این چاه می‌رود. و بدیهی است که محصول هر کدام از این دو در صورت موفقیت‌آمیز بودن‌شان کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند، جهاد موفق اقتصادی بدون آن‌که لطمه‌ای به دین مردم بزند عرصه‌های اقتصاد را رونق می‌بخشد و پایه‌های اعتقادی‌شان را مستحکم می‌کند، و آن دیگری به قیمت تخریب ارزش‌های دینی و ذبح عدالت، توسعه‌ای را ایجاد می‌کند که در عرصه آن نه از ولی نعمتان انقلاب خبری هست و نه قداست اسلام ناب حفظ شده

۱. فرازی از سخنرانی رئیس جمهور در اولین جلسه هیئت دولت : امروز اولین مسئولیت همه ما بهبود معیشت مردم است . مسئله اقتصادی و حل معضلات اقتصادی مردم در تقدم اول دولت خواهد بود تصمیم ما بر این است که انشاءالله در آغاز کار هفته‌ای دو جلسه وزاری که مستقیماً با مسائل اقتصادی سر و کار دارند با حضور رئیس جمهور این دو جلسه در هفته تشکیل می دهیم تا چارچوبی که باید مدنظر همه ما باشد که قبلاً در کار گروه‌ها کار شده و مبانی آن آماده است، هماهنگی بیشتری داشته باشیم. در شرایط فعلی کشور همه باید خود را با آن تصمیمات جلسه اقتصادی هماهنگ کنیم.

بلکه چراگاهی پدید می‌آید که در آن شیاطین آنها را آذین‌بندی نموده‌اند و مرفهین بی‌درد به چریدن مشغول.

مقام معظم رهبری در بیانات مذکور کراراً موضوع «جهاد» را به اقتصاد ضمیمه فرمودند تا علاوه بر رهاسازی پتانسیل‌های اقتصادی موجود در کشور که منجر به فقرزدایی می‌گردد، همچنین با درخشش تالو جمیل اقتصادی در مملکت امام زمان عجل‌الله‌تعالیه‌الشریف، پابرهنگان مغضوب دیکتاتورها را در سراسر عالم به اسلام ناب امیدوار کنند.

هر چند از آن بیانات چند سال می‌گذرد ولی آن نسخه شفابخش همچنان به‌روز است:

از جمله‌ی اساسی‌ترین کارهای دشمنان، در مقابله‌ی با کشور ما، مسائل اقتصادی است. البته در عرصه‌ی فرهنگی، سیاسی، و انحصارات علمی هم فعالند، اما در عرصه‌ی اقتصادی فعالیت بسیار زیادی دارند. و حرکت طبیعی کافی نیست، باید در این میدان (جهاد اقتصادی) حرکتی جهشی و مجاهدانه داشته باشیم». و از همگان می‌خواستند که مجاهدانه در این عرصه حضور پیدا کنیم؛ «از مسئولان کشور، چه در دولت، چه در مجلس، چه در بخشهای دیگری که مربوط به مسائل اقتصادی میشوند و همچنین از ملت عزیزمان انتظار دارم که در عرصه‌ی اقتصادی با حرکت جهادگونه کار کنند، مجاهدت کنند». توجه داشته باشیم که این سخنان مربوط به قبل از تحریم اقتصادی و رو شدن دست دشمنان در توطئه تحریم‌های فلج‌کننده (crippling sanctions) بود و اکنون بر دوست و دشمن آشکار گردیده که اشراف رهبری ایران بر مصالح مادی و معنوی امت خویش که کمین‌گاه‌ها و اهداف دشمنان را شناسایی نموده و هشدار می‌دادند که دشمن از کمینگاه اقتصادی دین مردم را نشانه رفته، از نوع الهی و حکیمانه است.

این نوشتار برآن است تا در حد وسع، به اهمیت اقتصاد از نوع جهادی آن که متضمن حفظ دست‌آوردهای انقلابی و دینی در برهه کنونی است، بپردازد.

معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

جهاد از ماده «جَهَد» و در لغت به معنای صعوبت، مشقت و تلاش توأم با رنج می‌باشد (قاموس قرآن / ج 2/ ص 79) و در اصطلاح عبارت است از تلاش و کوشش تا جایی که قدرت و توان دارد و بدیهی است که این مقدار تلاش همراه با سختی می‌باشد و فرمان رهبر معظم انقلاب برای جهاد اقتصادی، تحمل مشقات فوق برای رضایت خداوند سبحان می‌باشد و این همان نکته اصلی است که در معادلات اقتصادی شرق و غرب نامعادله می‌نمایاند و اصولاً توجیهی ندارد. مقام معظم رهبری در حرم رضوی فرمودند:

«روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف».

در اسقاط تکلیف از ایثار، نشاط، پویایی و ماندگاری خبری نیست و حرکت‌ها در چارچوب منافع شخصی و تا مرز معینی می‌باشد برخلاف روحیه جهادی که تلاش‌ها بی‌حد و حصر و در اوج ایثار و بصیرت است لذا رنگ خدایی به خود گرفته و ابدی می‌شوند.

مداومت بر تلفیق جهاد و اقتصاد

تألاًو جميل در «جهاد اقتصادى» زمانى هويدا مى‌شود كه موضوع «جهاد» و «اقتصاد» را جداگانه بررسى نكنيم بلكه تلفيق اين دورا - كه اهميت آن نيز به تلفيق است - با شرايط كنونى کشورمان تطبيق دهيم .

موضوع جدانشدن جهاد از اقتصاد اولين نکته‌اى است كه ما مخاطبين اين فرمان بايد توجه و مداومت دائم به آن داشته باشيم و اگر در ميانه و يا حتى در انتهاى راه كه زمان به بار نشستن شكوفه‌ها و برداشت محصول است ، جهاد را حذف و يا موضوعيت آن را به صورت سليقه‌اى دگرگون كنيم ، دفعتاً تمام بار ارزشى خود را از دست خواهد داد و اقتصاد برجاى مانده، از مكاتب اقتصادى شرق و يا ليبراليسم غربى سر در خواهد آورد . زيرا تا هنگامى كه عنوان جهاد به اقتصاد چسبيده است ، لاجرم سه موضوع ايتار ، انفاق و اخلاق را هم به همراه خود دارد ، موضوعاتى كه كمترين اثرى از آن ها در كارتل هاى بزرگ شرق و غرب و اقتصادهاى متورّم و چركين در تراست ها و كمپانى هاى كوچك و بزرگ دنياى شيطان زده نخواهيم ديد . «اقتصاد محورى» را بايد نقطه مقابل «جهاد اقتصادى» دانست و بين اقتصاد محورى يعنى هدف قرار گرفتن اقتصاد درهمه شئونات زندگى ، با موضوع جهاد اقتصادى يعنى هدف قرار دادن اجراى اوامر مولا و انجام وظائف الهى ، تفاوت ماهوى و فاصله بين جهنم تا بهشت است .

مسلمان متعهدي كه با نگرش جهادى وارد عرصه اقتصادى مى شود هرگز در ميادين السابقين نه تنها به ابزارهاى خشن، غيرانسانى و انحصار (MONOPOLY) براى زمين زدن رقيب متوسل نمى‌شود ، بلكه چون افق برتر و منافع جمعى را در نظر دارد حتى گاهى دراوج تلاش براى سبقت ، رشد و شكوفايى خود را در ايتار و انفاق به رقيب مى‌بيند نه درافزايش ارقام دلارى ، لذا ايتارگرانه رقيب را هدايت و يا عرصه‌اش را وسعت مى‌بخشد.

در اقتصاد غرب چنین حرکت هایی اصلاً مفهوم نیست و حرکتی معکوس است زیرا هدف کارتل ها بنا بر تعریف رسمی خودشان، تسلط بر بازار یک کالای خاص از طریق تضعیف یا از بین بردن رقابت در بازار آن کالا توسط ایجاد انحصار است . درنگرش اقتصاد محور شرق و غرب که فقط نگاه ها به انباشت سرمایه ها از هر راهی ولو چپاول و غارت ملت ها است ، حتی کشتار میلیونی انسانهای بی گناه کاملاً موجه می نماید ، زیرا برای رسیدن به نفت ارزان ویا رونق کارخانه های بزرگ تولید سلاح وتجهیزات جانبی ، چاره ای جز راه اندازی جنگ های پی در پی و دراز مدت در جای جای کره زمین وایجاد حکومت های دست نشانده نیست . در غیر این صورت اقتصاد مورد نظرشان رشد نکرده و پا برجا هم نخواهد ماند . در ذائقه این مستکبرین سلطه جو ، پورسانت ها ورشوه ها که مولایمان امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آن را به استفراغ مار تشبه کرده اند ، از لذیذ ترین غذاهای رایج است .

غرب ولیبرالیسم در عرصه اقتصاد هیچگونه مرز وحریمی را برای اخلاق تعریف نکرده و اصلاً نمی شناسند در آن سوی آبها قرن هاست که اخلاق در پای اقتصاد ذبح شده و فحشا رسماً به عنوان یک صنعت اقتصادی پرسود وارد بازار شده است به عنوان نمونه بر اساس آمار پایگاه اطلاع رسانی « ماکینگ جگت » 89 درصد از کل فیلمهای مستهجن در امریکا تولید می شود ودر هر ثانیه 30 هزار نفر در این کشور مشغول تماشای این برنامه های مبتذل هستند.صنعت فحشا به خاطر رشد اقتصادی سالیانه سیزده میلیارد دلاری یکی از تجارت های پرسود در امریکا و جوامع غربی است . این تنها یک نمونه از هزاران است که مارا متوجه فاصله جهنم تا بهشت فی مابین تلاش اقتصادی یک انسان غربی یا غربگرا با مجاهدت اقتصادی یک فرد مسلمان می کند.

هدف مقدس و روحیه جهادی یک مجاهد عرصه جهاد اقتصادی هیچ گاه اجازه بکارگیری و توجیه هر وسیله ای را به او نمی دهد و ده ها بلکه هزارها فرمان الهی در قالب واجبات و محرمات

، مکروهات و مستحبات در کتب فقهی و رساله های عملیه ، هدایت هوشمندانه و مؤمنانه وی را در عرصه اقتصادی بر عهده گرفته اند .

ارگان جهاد

برای شکل گیری هر مجاهده ای می توان چهار رکن اساسی را معرفی نمود: مجاهد، عرصه جهاد، ابزار جهاد و دشمن.

مجاهد اقتصادی:

قبول کنیم که جهاد اقتصادی یکی از سخت ترین مجاهدت ها است. زیرا مجاهد اقتصادی در حالی که به شدت تلاش می کند تا حفره های فقر را پُر کند و معیشت روان و قابل دسترسی را برای خود و دیگران فراهم نموده و از تهدید برهاند، در همان حال می بایست کاملاً مواظب باشد که خود به آن طرف کشیده نشود و این مراقبت دو سویه مجاهدت مضاعفی را می طلبد.

یک وزنه سنگینی را در نظر بگیرید که شخصی با طناب آن را به بالا می کشد و باید هم آن وزنه و جنس را به بالا منتقل کند و هم مواظب باشد که خودش به پایین سقوط نکند زیرا همزمان با شروع فعالیت وی، آن کالا نیز با سنگینی وزن خود در حال کشیدن فرد مذکور به سمت پایین است . مجاهد عرصه اقتصادی هم باید اقتصاد را از قبض رها نیده و آن را بسط دهد و هم باید مواظب باشد که این سفره گسترده و بسیط او را به هوس غلطیدن در این مرتع نیندازد بلکه بسط را تا مرحله اقتصاد یعنی میانه روی و تعادل استمرار دهد و جای هدف را با وسیله جابجا نکند. لکن در جهادهای دیگر مانند جهاد نظامی چنین وضعیتی وجود ندارد زیرا در عرصه نظامی حتی پس از مجاهدت های طولانی اگر خاکریزی را هم از دست بدهد یعنی نتواند وزنه را به سمت خود بکشد و عرصه جهاد را به نفع خود تغییر ندهد و کشته شود ، پیروز است همان گونه که اگر خاکریزی را بگیرد و دشمن را نابود کند باز هم پیروز میدان است. در جهاد اقتصادی می بایست هم به سمت مادیات و جلوه های دنیا با جدیت بدود و هم به شدت از آن پرهیز کند و دویدن در حال ایستایی کار آسانی نیست مگر با لحاظ کردن این فرمان مولی الموحیدین علی ابن ابی طالب

صلوات الله عليه: وَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ (از خدا به خدا بگریزید - خطبه 24) فرمان نورانی و حکیمانه - ای که انسان را کد را به دوران مکرر رجوع و گریز کشانده و در زمره مطوقین حق تعالی قرار می - دهد در غیر این صورت دام های هولناک دنیا زدگی، طمع و افزون طلبی، توجیه های ناروا برای ثروت اندوزی، استدراج و ... مجاهد عرصه اقتصادی را خواهد بلعید. دام های فوق مین های ویژه ای هستند که حتی بر سر راه مجاهد عرصه جهاد با نفس هم دیده نمی شود در جهاد با نفس هر چه هست سفارش به رها کردن دنیا و تنگ گرفتن عرصه بر نفس اماره و محروم نمودن وی از جلوه های دنیوی حتی مباحات است و گوشمالی دادنش با روش های شرعی و مقبول عقلی که اولین آن حضور کمرنگ در عرصه های متنوع اقتصاد است.

نکته بعدی توجه به بُعد گروهی جهاد می باشد و قتی که فراخوان مجاهده عمومی برای اقتصاد توسط ولی فقیه داده شد شکل فعالیت های شخصی نیز از خاص به عام تغییر پیدا می کند و قابل مقایسه با تلاش معمولی برای تامین معاش خود یا حداکثر خانواده خویش نیست هر چند مجموع خانواده ها اجتماع را تشکیل می دهند ولی تلاش برای بهبود اقتصاد خانواده می تواند بدون نگرش به بیرون از خانواده باشد لکن فرمان جهاد عمومی همه را ملزم می کند که تا آخر کار، تمامی عرصه را در نظر داشته باشیم نه فقط عرصه ای به وسعت محدوده حضور خویش را. زیرا یک دشمن مشترکی به این عرصه آمده که با گرفتن هر جای پایی در هر کجای این عرصه همه ی عرصه را تهدید نموده و به چالش می کشد همان گونه که در جنگ های نظامی، یک فرد حتی اگر بسیار جسور، قدرتمند و آگاه باشد نمی تواند به تنهایی پیروزی را رقم بزند مگر آن که الحاق گروهان ها و گردان ها برقرار شود خلاصه آنکه نمی توان تلاش را از حالت جهادی و فراگیر خارج نمود و آن را قسمت بندی و یا مرزبندی گروهی نمود فرضاً مانند انفاق مرحله ای. در مورد انفاق، قرآن کریم افراد را برای ما رتبه بندی می کند یعنی چندین ظرف جلوی ما می گذارد و می فرماید هر کدام را پر کردید به سراغ دیگری بروید: آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى، وَ الْيَتَامَى، وَ الْمَسَاكِينَ، وَ ابْنَ السَّبِيلِ، وَ السَّائِلِينَ، وَ فِي الرُّقَابِ ... ولی در جهاد اقتصادی فرمان جنبش عمومی برای دگرگون کردن همه ی عرصه و پر کردن همه کاسه ها و کاستی هاست.

وسعت عرصه

بالاخره هرجهادی وهر مجاهدی نیازمند یک عرصه‌گاهی برای جولان است عرصه جهاد اقتصادی نیز ویژگی‌ها و نکته‌های فراوانی دارد ولی وسعت عرصه مهمترین آن است.

آیا در کشور ما عرصه جهاد اقتصادی وسعتی به فراخنای همه استعدادها و تلاش همه انسان‌ها اعم از کسانی که ارتباط ضعیف با مراکز اقتصاد دولتی دارند و به دنبال پارتی و سفارش و غیره نیستند، فراهم است؟ آیا فرصت‌ها برای همگان به صورت عادلانه تقسیم شده و جولانگاه هیچ مجاهدی تضعیف نشده و مورد تعرض واقع نمی‌شود؟

مطمئناً تلاش دولت خدمتگزار دکتر احمدی نژاد به‌خاطر گام برداشتن در مسیر عدالت و حرکت‌های ارزشی و منطقی، در مسیر تقسیم عادلانه فرصت‌ها و ثروت‌ها بود که چندین مرتبه هم مورد تأیید رهبر معظم انقلاب قرار گرفت از جمله هدفمند کردن یارانه‌ها و بریدن دستان طمّاع متجاوزین به منافع عمومی در جراحی اقتصادی که به عنوان یک اثرماندگار در تابلویی زیبا و در مقابل دیدگان همه جهانیان است ولی آیا موفق به آزادسازی همه عرصه و برچیدن خط‌کش‌های همه خودخواهان متجاوز از روی عرصه‌گاه عمومی ملت شد و بساط انحصارطلبی‌شان را جمع نمود؟ و بدیهی است که افرادی که حداقل ضوابط و حقوق انسان‌ها را در جمع‌آوری ثروت نامشروع‌شان لحاظ نمی‌نمایند، به طریق اولی فرهنگ مقدس جهاد را در عرصه اقتصاد بر نمی‌تابند و با سرمایه‌های بادآورده آماده هجوم قدرتمندانه نه تنها به عرصه‌گاه‌های جهاد اقتصادی «پابرهنگان مغضوب دیکتاتورها» هستند بلکه امنیت، فرهنگ و ارزش‌های انقلابی‌شان را هم نشانه رفته‌اند. همانگونه که در جریان فتنه سال 88 مسؤولیت تأمین بخشی از لجستیک و عقبه تدارکاتی فتنه‌گران را برعهده داشتند. شک نداشته باشیم که اگر عرصه را از مجاهد گرفتیم

و یا عرصه گاه او را تنگ کردیم نباید انتظار موفقیت کامل را از وی داشته باشیم هر چند او بنابر وظیفه اش تلاش خود را می کند ولی شهادت و جراحت و به اسارت رفتن محصولش در همین برهه و مقطع مطرح می شود .

اصولاً آزاد سازی عرصه کار دشواری است ولی سخت تر از نگهداری هوشمندانه برای جلوگیری از تعرض به عرصه نیست . باید دولت تدبیر و امید را کمک نمود تا بیشتر حواسش به افراد و گروه هایی باشد که در هر بُرهه ای فرصت طلبانه نوبرانه ها را به کام خود و نزدیکان ریخته و دائم بر عرصه های همگانی سَرک می کشند و هنوز هم هَلْ مِنْ مَزیدِ می زنند.

هر چند فوندانسیون این افراد در دهه های پیشین و از زمان مدعیان توسعه و اصلاح طلبان فتنه جو با انواع رانت های اقتصادی ، سیاسی و اطلاعاتی استحکام یافته است و با اخذ موافقت های اصولی ، ردوبدل کردن پورسانت های کلان و تاسیس شرکت ها و کارخانه های میلیاردی اکنون بخشی از عرصه گاه های اقتصادی را خودخواهانه و متجاوزانه بر دیگران تنگ کرده اند و بعضاً در حرکت های اقتصادی شان غرب را نیز الگو قرار داده و دائم در عرصه فرهنگ کشور نیز تنش ایجاد می کنند.

در این عالم هر چیزی بدلی دارد: منافق مؤمن نما ، جاهل عالم نما ، دشمن دوست نما، جَبون مجاهد نما... به همین دلیل همه مردم خصوصاً مسؤولان که توزیع فرصت ها و امکانات را در اختیار دارند باید به شدت مواظب هار شدن فرصت طلبان مذکور با رنگ و لعاب تلاش جهادی باشند و بدل را از اصل تشخیص دهند مطمئناً ثروتی که پس از رشد پیدا کردن برعلیه فرهنگ و ارزش های دینی و انقلابی بکار گرفته شود از راه جهاد اقتصادی کسب نشده زیرا ثروت یک مجاهد اقتصادی هیچ گاه بر علیه منافع مقدس و جهادی اش بسیج نمی شود .

البته این هشدارها نباید مارا ناامید کند بلکه کمک می‌کند تا به چالش کشیده نشویم و عرصه‌گاه‌های عمومی آزاد شوند و اصولاً هشدارها نشانه‌هایی از موفقیت آینده است زیرا دردها شناسایی شده و میکروب‌های پنهان برای قلع و قمع از عمق پنهان به سطح آشکار آورده می‌شوند.

دشمنان اقتصادی

دشمنان اقتصادی با هر توان و سلیقه‌ای که به مصاف می‌آیند با یکدیگر در هدف تضعیف، غارت و نابودی منابع اقتصادی مسلمانان مشترک هستند که فقر پیدا و پنهان نیز اولین اثر از این هجوم است و محقق شدن هر کدام از این دو (فقر پنهان یا پیدا) بستگی به نوع برنامه‌ریزی آنان دارد در جایی که عیان شدن فقر به بحران‌های اجتماعی و فتنه دامن زده و این آشوب، مطلوب نظام سلطه است از آشکار شدنش پروایی ندارند ولی زمانی که پنهان ماندن فقر، جامعه را در یک غفلت و خمودی تا مرحله‌ای نگه می‌دارد که خزائن تهی شده و بردگی به درازای مطلوب بکشد و استعدادها همچنان برای ریشه‌کن کردن فقر بسیج نشوند، بدیهی است که فقر پنهان مطلوب نظام سلطه است.

تمامی شواهد و قرائن منطقه‌ای و بین‌المللی گذشته و حال از آن حکایت دارد که در این مقطع که دشمن از عرصه‌های دیگر ناامید شده با هدف توزیع فقر و ایجاد نابسامانی در عرصه اقتصادی وارد میدان شده به گونه‌ای که کشور نیازمند فراخوان جهادی گردیده است. در مجموع، دشمنان جبهه اقتصادی را به سه گروه می‌توان دسته‌بندی نمود:

- 1- دوستان جاهل و بی بصیرتی که برمسندهای اقتصادی تکیه زده و فرصت‌ها و منابع را با برنامه های معکوس به هدر می‌دهند که هرچند اندک هم باشند ولی بخاطر جایگاهشان اثر گذاری آنان زیاد است ضمن آنکه احتمال نفوذ غیر مستقیم دشمن برای انتصاب آنان را نمی‌توان منتفی دانست.
- 2- ثروتمندان و فرصت طلبان طماعی که همه چیز را برای خود و اطرافیان می‌خواهند و اصلاً منافع عموم را لحاظ نمی‌کنند و احیاناً دستی در قدرت و مناصب هم دارند که

امام راحل آنان را «مرفهین بی درد» می نامیدند. 3- دشمنان نشان دار نظام اسلامی که رسماً با ابزارهای محاصره‌ی اقتصادی، ایران‌هراسی و غیره.... به جنگ با جمهوری اسلامی آمده و نیز به وسیله‌ی عوامل نفوذی به کارشکنی، ترساندن و دل‌سرد کردن مردم در امر اخلاص اقتصادی مشغول هستند.

جهاد با دشمنانی که فرصت‌های پیشرفت اقتصادی مردم را بلعیده و رفاه عمومی جامعه را به گونه‌ای تهدید کرده اند که تنگی معیشت مردم برای معنویت شان بحران آفرینی نموده است از برترین نوع «جهاد اقتصادی» است. پرکردن حفره‌های هولناک بر سر راه اقتصاد مردم مسلمان و جنگ اقتصادی با حفاران حرفه‌ای، مبارزه قاطع با انواع رانت‌های سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی که منجر به تقابل با جهاد اقتصادی می‌شود، صرفه جویی در مصرف و مبارزه با اسراف که آفت رشد اقتصادی هستند، همه این‌ها در دایره وسیع جهاد اقتصادی قرار می‌گیرند.

شاید نگاه برخی‌ها با شنیدن واژه «جهاد اقتصادی» فقط به سمت پیشرفت شاخص رشد و کمیت در تولید باشد، اگر ظرفیت عظیم جهاد را به همین‌ها محدود کنیم نگاهی سطحی و عوامانه به موضوع «جهاد اقتصادی» کرده‌ایم. هرسنگی که از سر راه چرخه اقتصادی مردم برداشته شود و مبارزه با هرآنچه که رشد اقتصادی امت اسلامی را به چالش می‌کشد نوعی از جهاد اقتصادی و بسیار مقدس است. ده‌ها و بلکه صدها حدیث معصومین این نکته ارزشی را به ما تفهیم می‌کنند.

از هنگامی که دولت قبلی عزم خود را جزم نمود تا نامعادله «70٪ یارانه‌ها مخصوص 30٪ از مردم» را برهم بزند وارد عرصه بسیار مقدس جهاد اقتصادی شد زیرا تا قبل از اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها سالیانه از 9 هزار میلیارد تومان یارانه کشور 6 هزار میلیارد تومان آن (معادل 70٪) توسط 30٪ از مردمی که حقوق ماهیانه آنان بالای 5 میلیون تومان بود مصرف می‌شد و سهم الباقی

مردم فقط 3 هزار میلیارد تومان بود همانطور که ملاحظه می‌کنید در این جهاد، آمار 9 هزار میلیاردی تغییری نکرده است بلکه فرصت‌های غارت شده از فرصت طلبان اخذ و به صاحبان آن داده شده است و بنابراین می‌تواند جهاد مقدسی در عرصه اقتصاد شکل بگیرد و مجاهدان فراوانی در این عرصه حضور یافته و پیکار نموده و پیروز هم بشوند ولی فرضاً ارقام و شاخص‌ها همچنان در مقطعی ثابت مانده باشد.

نوعی دیگر از مبارزه با دشمنان اقتصادی تلاش برای اصلاح مرز بندی‌های تحمیلی که از کوچک کردن عرصه‌ها توسط افزون طلبان پدید آمده و تعیین عرصه‌های فعالیت اقتصادی هر شخصی به نسبت شایسته سالاری است. مبارزه با انواع رانت‌خواری به منظور تقسیم فرصت‌های برابر برای همگان یک نمونه از آن است. اصل برابری فرصت‌ها که در دایره‌ی عدالت اجتماعی قرار دارد بوسیله‌ی انواع رانت‌ها از بین می‌رود و موجب بی‌عدالتی اقتصادی و فاصله‌ی فاحش فقیر و غنی می‌گردد. هر یک از رانت‌های سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی مستقیم یا غیر مستقیم در حوزه‌های یکدیگر نفوذ دارند خصوصاً در حوزه‌ی اقتصاد.

به عنوان مثال رانت‌های سیاسی یعنی تقسیم موقعیت شغلی نه براساس شایسته سالاری بلکه به خاطر وابستگی به شخص یا گروه خاص موجب تسلط بر منابع مهم اقتصادی و تقسیم سلیقه‌ای و پنهان آن بین نزدیکان، گسترش فساد و نهایتاً هجوم به فرهنگ و ارزش‌ها می‌شود. و یا رانت اطلاعاتی که عبارت است از دسترسی به اطلاعات با ارزش اقتصادی و سیاسی که همگان از دسترسی به آن محرومند موجب می‌شود تا صاحبان اطلاعات مذکور به قیمت محرومیت دیگران از مزایای هنگفتی برخوردار شوند، اطلاعاتی از قبیل: تصمیمات مربوط به تعرفه‌های کنترل واردات و صادرات، تصمیمات ارزی بانک مرکزی، اطلاعات مربوط به مزایده‌ها و مناقصه‌های کالاها و اجناس دولتی، اطلاع از تصمیمات تغییر کاربری زمین‌ها توسط شهرداری‌ها و ایجاد

پروژه‌های کلان در مناطق مخصوص مانند شهرک‌های صنعتی و غیره، اطلاع از مسیر احداث جاده‌های مواصلاتی درون و برون شهری و امثالهم که موجب رشد تصاعدی قیمت زمین‌های مجاور می‌گردد. همچنین رانتهای اقتصادی که مستقیماً موجب فربه شدن اقتصاد خواص، آقازاده‌ها، و نورچشمی‌ها به قیمت زمین‌گیر شدن اقتصاد عمومی می‌شود. موارد ذیل در این دایره قرار دارند:

اختصاص وام‌های کلان بانکی با نرخ سودهای پایین یا به صورت یارانه‌ای، اعطای مجوزات واردات و صادرات در مقطع‌های ویژه به کالاهای پر منفعت، صدور موافقت‌اصولی‌ها و مجوزات پروژه‌های ارزشمند برای افراد خاص و غیره. بدون حکمت نیست که رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید فرموده‌اند که مسئولین باید برای توانمند شدن مردم در عرصه جهاد اقتصادی اطلاعات را در اختیار همگان بگذارند: «مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصادی لازم است، این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است که این‌ها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند».

یعنی توانمند شدن، مستقیماً با دسترسی به اطلاعات در ارتباط است و اگر مسیر کسب اطلاعات را برای افراد خاصی کانالیزه کردیم بدیهی است که از توانمند شدن عموم مردم جلوگیری شده است. در یک مسابقه دوهمگانی اگر فرضاً گروهی را خسته و خواب‌آلود به میدان بیاوریم، و گروهی دیگر را کتف بسته و زنجیر به پا، فقط معدود افرادی که قبلاً از وجود مسابقه آنها را مطلع کرده‌ایم آمادگی جسمانی را فراهم کرده باشند، حتی قبل از آنکه سوت شروع مسابقه زده شود مشخص است که چه کسانی برنده این مسابقه هستند.

در هر صورت عرصه جهاد اقتصادی بسیار وسیع و متنوع می‌باشد و هرکسی به فراخور استعداد و توانمندی‌اش واجب است که در این جهاد مقدس شرکت نموده و شک نکنیم که اگر همگان با نیت

الهی و روحیه جهادی در این عرصه حضور پیدا کنیم روزی خواهد آمد که بساط تفرعن غریزده‌های متجاوز به عرصه‌گاه‌های اقتصاد عمومی را جمع نموده و دیگر در یک پایتخت کشور امام‌زمان عجله تعالی فرجه الشریف دو فاصله اقتصادی غیرمشروع، غیرمعقول، و غیرمقبول را نخواهیم دید، در یک سمت پایتخت: تبرج با خودروی لامبورگینی Lumborghini باقیمت ششصد میلیون تومان، کیف 18 میلیون تومانی از چرم کروکدیل با مارک هرمس Hermes، گوشی موبایل جورجیو آرمانی Giorgio Armani با قیمت 21 میلیون تومان، کفش دو میلیون تومانی، عطر یک میلیونی و..

و در یک سمت دیگر پایتخت: انتظار طولانی برای رسیدن اتوبوس و سوار شدن بر مترویی که انسان‌ها همانند چوب کبریت در قوطی چیده و فشرده می‌شوند، تلاش برای نقص عضو شدن و فروختن کلیه به منظور امرار معاش و رهن و اجاره یک اتاق، التماس برای گرفتن دو میلیون تومان وام بانکی و موارد ریز و درشت دیگری که به چهره‌ی نظام مقدس ما چنگ انداخته و لطمه زده است.

اکنون به منظور ترمیم ظواهر و دگرگونی در عمق می‌بایست به چهار نکته‌ای که رهبر عزیزمان به عنوان الزامات مهم برای شکل‌گیری حرکت عظیم جهادی در عرصه‌ی اقتصاد معرفی کرده‌اند توجه ویژه داشته باشیم: 1- روحیه‌ی جهادی. 2- استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه. 3- مبتلا نشدن کشور به مسائل حاشیه‌ای. 4- حفظ اتحاد و انسجام ملی.

در پایان، این کلام رهبر معظم انقلاب را هم فراموش نکنیم که فرمودند:

«البته محوریت اقتصاد که من عرض کردم به معنای غفلت از عرصه‌های دیگر تلقی نشود».

حکایت

قـم
دوم/شهریور/1392

allahsobhanallah@yahoo.com

0912 553 2040